

رساله

حفاظت قرآن از تحریف



آية الله العظمى سيد رضا حسيني نسب



پیشگفتار

قرآن مجید، تجلی گاه اسماء و صفات خداوند، و میراث گرانهای آخرین فرستاده او یعنی حضرت محمد ابن عبد الله (ص) است.

قرآن، ثقل اکبر و بزرگترین امانت الهی در میان جامعه بشریت است.

قرآن، بسان گلستان پر طراوتی است که عطر دل انگیز ریاحین آن همه زوایای حیات انسان های پارسا را فرا می گیرد ، و همانند بوستان پرثمری است که اشجار طیبه اش در سرزمین دل های عاشقان حق به برگ و بار می نشیند.

قرآن گنجینه اسرار الهی و گنج گرانهای انوار هدایت است.

قرآن ، زمزمه دلپذیر جویبار جاری حقیقت در سایه سار نخل رفیع رسالت است.

بنابراین ، سزاوار است که تنها در مکتب پرفیض
پرچمدار قرآن یعنی رسول خدا و خاتم انبیا محمد
مصطفی (ص) به کلام شیوا و بیان زیبای آن سرور
کائنات ، در توصیف کلام خدا گوش فرا دهیم که
چنین می فرماید :

"القرآن مآدبه الله"

یعنی : قرآن "مآدبه" خداوند است.

برای لفظ "مآدبه" دو معنا بیان کرده اند:

1- مآدبه: خوان نعمت و سفره پر برکت.

2- مآدبه: ادبستان و مدرسه.

پس بنا بر قول نخست ، معنای حدیث چنین است:

"قرآن ، خوان نعمت حق است" .

و بنا بر گفتار دوم ، مفهوم آیه چنین می باشد:

"قرآن ادبستان خدا و مکتب آموزش آداب و معارف

الهی است".

قرآن کتابی است که انسان را می سازد ، و انسان
کامل می تواند جهان را بسازد. همانگونه که علامه
اقبال لاهوری می گوید :

نقش قرآن چونکه بر عالم نشست
نقشه های پاپ و کاهن را شکست
چونکه در جان رفت جان دیگر شود
جان چو دیگر شد جهان دیگر شود
فاش گویم آنچه در دل مضمحل است
این کتابی نیست چیز دیگر است

در این رساله موجز، به یکی از ابعاد ارزشمند این
کتاب مقدس، یعنی تغییر ناپذیری و صیانت آن در
برابر طوفان تحریف می پردازیم و سلامت این امانت
بزرگ الهی را از هرگونه دگرگون سازی توسط
معاندان قرآن، به اثبات می رسانیم.

جایگاه مبحث تغییر ناپذیری قرآن

در زمینه معارف مربوط به قرآن، به علوم ذیل برخورد می‌کنیم:

1. تفسیر قرآن.
2. تأویل قرآن.
3. آیات الأحکام.
4. علوم قرآنی.

تفسیر قرآن، به معنای شرح محتوای آیات قرآن در پرتو دیگر آیات و روایات اسلامی و نیروی اندیشه است.

تأویل قرآن، به معنای توضیح آن دسته از آیاتی است که ظاهر آنها مقصود نمی‌باشد، و قرینه‌ای در آنها وجود دارد که کنایه از یک واقعیت دیگری است.

به عنوان مثال، واژه "ید الله" به معنای "دست خدا" در آیه 10 از سوره فتح، چنین بیان شده است:

"انّ الذین یبایعونک انما یبایعون الله ید الله فوق
أیدیهم".

یعنی: آنان که با تو بیعت می کنند ، در حقیقت با خداوند بیعت می نمایند، دست خدا بالای دست آنان است.

از آنجا که با قرائن نقلی و دلایل عقلی می دانیم که خداوند، جسم نیست و دست (به معنای فیزیکی و طبیعی) ندارد، بنا بر این، در می یابیم که مقصود از "ید الله" ، قدرت پروردگار است، و کلمه "دست" در اینجا، کنایه از توانایی و مظهر نیرومندی است. بنا بر این، تأویل یک آیه، به معنای حمل یک آیه بر خلاف ظاهر آن است.

آیات الأحكام ، به عنوان یکی از رشته های فقه اسلامی، در برگیرنده تبیین آن دسته از آیات نورانی قرآن مجید می باشد که پیرامون احکام شرعیه فقهیه نازل گردیده است.

علوم قرآنی ، به بخشی از رشته های علمی تخصصی اطلاق می گردد که پیرامون مسائلی مرتبط با قرآن، مانند آنچه در ذیل آمده است، مطرح می گردد:

- اثبات استناد قرآن به ذات اقدس حق.
- تاریخ قرآن.
- کاتبان وحی.
- نظم قرآن.
- جاودانگی قرآن.
- اقسام قرائت ها.
- حقیقت وحی و اقسام آن.

- اعجاز قرآن.

- اثبات عدم تحریف قرآن.

با این بیان، روشن می گردد که مبحث اثبات عدم تحریف قرآن مجید، به عنوان یکی از شاخه های مباحث علمی و تخصصی علوم قرآن کریم، به حساب می آید.

اثبات تحریف ناپذیری قرآن

مشهور دانشمندان شیعه برآنند که هیچ گونه تحریفی در ساحت مقدس قرآن راه نیافته و قرآنی که امروز در دست ما است، همان کتاب آسمانی است که بر پیامبر گرامی نازل شد و هیچ زیاده و نقصانی در آن صورت نگرفته است. برای روشن شدن این سخن، به چند گواه روشن در این زمینه، اشاره می کنیم:

دلیل اول

پروردگار عالم صیانت و پاسداری از کتاب آسمانی مسلمانان را تضمین نموده و می فرماید:

«إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر: 9)

- ما قرآن را فرو فرستادیم و یقیناً از آن نگهبانی می‌کنیم.

روشن است که شیعیان جهان، از آنجا که قرآن را به عنوان سرلوحه اندیشه و رفتار خود قرار می‌دهند، به این آیه شریفه ارج نهاده و به پیام آن در حفظ و صیانت کتاب خدا، ایمان دارند.

دلیل دوم

پیشوای بزرگ شیعیان علی(علیه السلام) که خود همواره همراه پیامبر گرامی و از کاتبان وحی بود، در مناسبت‌های گوناگون، مردم را به سوی همین قرآن، دعوت فرموده است که برخی از سخنان آن حضرت را در زیر یادآور می‌شویم:

«واعلموا أنّ هذا القرآن هو النّاصح الّذی لا یغشّ و الّهادی الّذی لا یضلّ». (نهج البلاغه (صیحی صالح) خطبه 176).

- بدانید که این قرآن، موعظه گری است که هرگز
غش و خیانت نمی کند و راهنمایی است که هرگز
گمراه نمی سازد.

«إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَعِظْ أَحَدًا يَمِثُلُ هَذَا الْقُرْآنِ فَإِنَّهُ
حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ وَ سَبَبُهُ الْمُبِينُ». (نهج البلاغه (صبحی
صالح) خطبه 176).

- خداوند سبحان، هرگز کسی را به مانند این قرآن
نصیحت نفرموده است، قرآن ریسمان ستبر الهی و
وسیله استوار خدا است.

«ثم أنزل عليه الكتاب نوراً لا تطفأ مصابيحہ، و سراجاً
لا یخبوا توقده. و منهاجاً لا یضلّ نهجه... و فرقاناً
لا یخمد برهانه». (نهج البلاغه (صبحی صالح) خطبه 198)

- سپس خداوند کتابی را فرو فرستاد که نوری است
خاموش نشدنی و چراغی است که هرگز بی فروغ
نمی شود، و راهی است که هرگز رهروانش را

گمراه نمی سازد، و مایه جدایی حق و باطل است
که هیچگاه دچار خمودی برهان نمی گردد.

از سخنان والای پیشوای بزرگ شیعیان، به خوبی
روشن می گردد که قرآن کریم بسان چراغ فروزانی
است که تا ابد، روشنگر راه انسانهای پیرو آن، باقی
خواهد ماند و هیچگونه دگرگونی که موجب
خاموشی فروغ آن و یا باعث گمراهی انسانها گردد،
در آن راه نخواهد یافت.

دلیل سوم

دانشمندان شیعه، اتفاق نظر دارند که پیامبر گرامی
فرمود: «من در میان شما دو یادگار سنگین و گرانبها
به جای می گذارم؛ یکی کتاب خدا (قرآن) و دیگر
اهل بیت و عترتم، مادام که به آن دو تمسک جوئید،
هرگز گمراه نمی شوید».

این حدیث، از احادیث متواتر اسلامی است که هر دو گروه شیعه و سنی آن را نقل کرده اند. از این بیان نیز به روشنی معلوم می گردد که از نظر شیعه، کتاب خدا (قرآن) هرگز دچار دگرگونی نخواهد شد؛ زیرا اگر تحریف در قرآن راه یابد، تمسک به آن موجب هدایت و رفع گمراهی نمی شود و این نتیجه، با نص این روایت متواتر، ناسازگار است.

دلیل چهارم

در روایات پیشوایان شیعه، که همه دانشمندان و فقیهان ما آنها را نقل کرده اند، به این حقیقت تصریح شده است که قرآن، معیار تشخیص حق و باطل و مایه جدایی درست از نادرست است؛ به این معنا که هر سخنی حتی آنچه به اسم روایات به ما می رسد، باید به قرآن بازگردانده شود، اگر با آیات آن سازگار است، حق و درست و در غیر این صورت، باطل و نادرست خواهد بود.

روایات در این زمینه، در کتابهای فقهی و روایی شیعه بسیار است که به یکی از آنها اشاره می‌کنیم:

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«ما لَمْ يُوَافِقْ مِنْ الْحَدِيثِ الْقُرْآنَ فَهُوَ زُخْرُفٌ». (اصول کافی، ج 1، کتاب فضل العلم، باب الأخذ بالسنة و شواهد الكتاب، روایت 4).

- هر سخنی که با قرآن سازگار نباشد، بیهوده و باطل است.

از این روایات نیز به خوبی روشن می‌گردد که دگرگونی، در قرآن راه ندارد و لذا این کتاب مقدس، تا ابد می‌تواند به عنوان میزان شناخت حق و باطل، قلمداد شود.

دلیل پنجم

دانشمندان بزرگ شیعه که همواره پیشتازان فرهنگ اسلام و تشیع بوده اند، به این حقیقت اعتراف کرده اند که قرآن کریم هرگز دچار دگرگونی نخواهد شد. گرچه شمارش همه این بزرگان دشوار است، لیکن به عنوان نمونه به برخی از آنها اشاره می کنیم:

1 - ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بابویه قمی، معروف به «صدوق» (متوفای 381 هـ.) می فرماید:

«اعتقاد ما درباره قرآن این است که آن سخن خدا و وحی است. و کتابی است که باطل و نادرسی در آن راه ندارد و از جانب پروردگار حکیم و دانا نازل گردیده است و او فرو فرستنده و نگهبان آن می باشد». (الاعتقادات، ص 93).

2 - سید مرتضی علی بن حسین موسوی علوی،
معروف به «علم الهدی» (متوفای 436 هـ.)
می فرماید:

«گروهی از صحابه پیامبر؛ مانند عبدالله بن مسعود و
أبی بن کعب و غیر آنها، بارها همه قرآن را از اول تا
به آخر، بر پیامبر گرامی خواندند و همه این ها به
خوبی بر این حقیقت گواهی می دهند که قرآن
گردآوری شده و مرتب و بدون کاستی و پراکندگی
بوده است. (مجمع البیان، ج 1، ص 10، به نقل از جواب
«المسائل الطرابلسیّات» سید مرتضی).

3 - ابوجعفر محمد بن حسن طوسی معروف به
«شیخ الطائفه» (متوفای 460 هـ.) می فرماید:

«اما سخن در فزونی یا کاستی قرآن، از مطالبی
است که در خور این کتاب نمی باشد؛ زیرا همه
مسلمانان بر عدم فزونی قرآن، اتفاق نظر دارند، و در
مورد کاستی آن هم، ظاهر مذهب مسلمانان،

برخلاف آناست و این گفتار (عدم زیادتی درقرآن)، به مذهب ما سزاوارتر است. این سخن را سید مرتضی پذیرفته و تأیید نموده است. و ظاهر روایات نیز همین حقیقت را به ثبوت می رساند. اندکی از مردم، به روایاتی در مورد نقصان آیات و یا جابه جایی آنها اشاره کرده اند که از طریق شیعه و اهل سنت رسیده است ولی این روایات، از قبیل خبرهای واحد هستند که موجب علم و یا عمل بر طبق آن نمی شوند و بهتر آن است که از آنها اعراض شود». (تبیان، ج 1، ص 3).

4 - ابوعلی طبرسی، صاحب تفسیر «مجمع البیان» می فرماید:

«در مورد فزونی قرآن، همه امت اسلامی، بر بی پایگی آن، اتفاق نظر دارند، و اما در موردکاسته شدن آیات آن، اندکی از اصحاب ما و گروهی از فرقه «حشویه» از اهل سنت روایاتی آورده اند، ولی آنچه

از مذهب ما پذیرفته شده و صحیح است، برخلاف آن می باشد». (مجمع البیان، ج 1، ص 10).

5 - علی بن طاووس حلی معروف به «سید بن طاووس» (متوفای 664 هـ .) می فرماید:

«نظر شیعه آن است که دگرگونی در قرآن راه ندارد». (سعد السعود، ص 144).

6 - شیخ زین الدین عاملی (متوفای 877 هـ .) در تفسیر آیه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» می فرماید:

«یعنی ما قرآن را از هر دگرگونی و تغییر و فزونی محافظت و پاسداری می نمایم». (اظهارالحق، ج 2، ص 130).

7 - قاضی سید نورالدین تستری، صاحب کتاب احقاق الحق، (متوفای 1019 هـ .) می فرماید:

«آنچه برخی به شیعه امامیه نسبت داده اند که آنان به دگرگونی قرآن قائل هستند، مورد پذیرش همه شیعیان نیست. تنها اندکی از آنان، چنین عقیده ای دارند که در میان شیعیان، به آنان اعتنا نمی شود». (آلاء الرحمن، ص 25).

8 - محمد بن حسین، معروف به «بهاءالدین عاملی» (متوفای 1030 هـ.) می فرماید:

«صحیح آن است که قرآن عظیم، از هرگونه فزونی و کاستی مصون است و این که گفته می شود: «نام امیر مؤمنان (علیه السلام) از قرآن حذف شده است!» نزد دانشمندان پذیرفته نیست و هر کس که در تاریخ و روایات کاوش کند، می داند که قرآن به دلیل تواتر روایات و نقل هزاران تن از صحابه ثابت و استوار است و همه آن در زمان پیامبر گرامی، گردآوری شده است». (آلاء الرحمن، ص 25).

9 - فیض کاشانی، صاحب کتاب وافی (متوفای 1091 هـ .)، پس از آن که آیاتی از قبیل «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» را، که بر عدم دگرگونی قرآن دلالت دارند، ذکر می کند، می فرماید:

«در این هنگام، چگونه ممکن است تحریف و دگرگونی در قرآن راه یابد؟ علاوه بر این که روایات تحریف، مخالف کتاب خدا است. پس باید این روایات را بی پایه دانست». (تفسیر صافی، ج 1، ص 51).

10 - شیخ حر عاملی (متوفای 1104 هـ .) می فرماید:

«انسان کاوشگر در تاریخ و اخبار؛ بدرستی می داند که قرآن به دلیل تواتر روایات و نقل هزاران تن از صحابه، ثابت و استوار است و در زمان پیامبر، گردآوری شده و منظم بوده است». (آلاء الرحمن، ص 25).

11 - محقق بزرگوار «کاشف الغطاء» در کتاب معروف خود «کشف الغطاء» می گوید:

«شکی نیست که قرآن، در پرتو حفظ و صیانت الهی، از هر کمبودی (و دگرگونی) محفوظ مانده است، چنانکه صریح قرآن و اتفاق نظر دانشمندان در همه عصرها بر آن گواهی می دهد. و مخالفت گروه اندکی، قابل اعتنا نمی باشد».

12 - رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیه الله العظمی امام خمینی(قدس سره) نیز در این زمینه سخنی دارند که به عنوان گواه روشن دیگر، آن را یادآور می شویم:

«هرکس به عنایت مسلمانان در مورد گردآوری قرآن و نگهبانی و ضبط و تلاوت و نوشتن آن، آگاه باشد، بر بی پایگی پندار «تحریف قرآن» گواهی می دهد و آن را غیرقابل باور می یابد و اخباری که در این زمینه وارد شده، یا ضعیف است که نمی توان به آنها

استدلال نمود و یا مجهول است که نشانه های ساختگی بودن آنها آشکار می باشد و یا روایاتی است که مضمون آنها، تأویل و تفسیر قرآن است و یا اقسام دیگر که بیان آنها به تألیف کتابی جامع در این مورد نیاز دارد و اگر بیم خارج شدن از موضوع بحث نمی رفت، تاریخ قرآن و آنچه در طول قرنها برآن گذشته را شرح می دادیم و روشن می ساختیم که قرآن مجید، درست همین کتاب آسمانی است که در دست ما است و اختلاف نظری که در میان قاریان قرآن وجود دارد، امری جدید است که هیچ ارتباطی با آنچه که جبرئیل امین بر قلب پاک پیامبر گرامی نازل نمود، ندارد». (تهذیب الاصول، تقریرات دروس امام خمینی، ج 2، ص 96، به قلم استاد جعفر سبحانی).

نتیجه: جمهور مسلمانان، اعم از شیعه و سنی برآنند که این کتاب آسمانی، درست همان قرآنی است که بر پیامبر گرامی، فرو فرستاده شده است

و از هرگونه تحریف و دگرگونی و فزونی و کاستی در
امان است.

اِتِّهَامِ غَيْرِ مَنْصَفَانَه

برخی از نویسندگان مذاهب دیگر اسلامی، بدون آگاهی از حقایق و یا به خاطر تعصبات ناروا، شیعیان جهان را متهم به این اِتِّهَامِ واهی نموده اند که آنان قائل به تحریف قرآن مجید هستند.

با این بیان دلائل فوق، بی پایگی این نسبت ناروا و این اِتِّهَامِ غیر منصفانه روشن گردید.

اما اگر نقل روایات ضعیفی در این مورد موجب این اتهام گردیده است، می گوئیم نقل این روایات به فرقه اندکی از شیعه اختصاص ندارد؛ زیرا جمعی از مفسران اهل سنت نیز اینگونه روایات ضعیف را نقل کرده اند که به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم:

1 - ابو عبدالله محمد بن احمد انصاری قرطبی در تفسیر خود از ابوبکر انبازی و او نیز از اُبی بن کعب روایت می کند که سوره احزاب (با هفتاد و سه آیه)

در زمان پیامبر به اندازه سوره بقره (که دویست و هشتاد و شش آیه دارد) بوده است و آیه «رجم» نیز در این سوره قرار داشته (تفسیر قرطبی، جزء 14، ص 113، در ابتدای تفسیر سوره احزاب).

یادآور می شود که هم اکنون اثری از چنین آیه ای در سوره احزاب به چشم نمی خورد!

و نیز در همین کتاب، از عایشه نقل می کند که گفته است:

«سوره احزاب در زمان پیامبر دویست آیه داشته، پس چون مصحف نوشته شد، به بیش از آنچه که الآن موجود است دست نیافتند!» (تفسیر قرطبی، جزء 14، ص 113، در ابتدای تفسیر سوره احزاب).

2 - صاحب کتاب «الاتقان» نقل می کند که عدد سوره های مصحب «أبی» یکصد و شانزده سوره بوده است؛ زیرا دو سوره دیگر به نامهای «حفد» و «خلع» در آن وجود داشته است». (اتقان، ج 1، ص 67).

در حالی که همه می دانیم قرآن کریم یکصد و چهارده سوره دارد و از آن دو سوره (حغد و خلع) در قرآن، اثری نیست.

3 - هبة الله بن سلامه، در کتاب «الناسخ و المنسوخ» از انس بن مالك نقل می کند که گفته است: «در زمان پیامبر سوره ای را می خواندیم که به اندازه سوره توبه بود و من تنها يك آیه از آن را حفظ کرده ام و آن این است:

«لَوْ أَنَّ لِبْنِ آدَمَ وَادِيَانِ مِنَ الذَّهَبِ لَابْتَغَى إِلَيْهِمَا ثَالِثًا
وَ لَوْ أَنَّ لَهُ ثَالِثًا لَابْتَغَى إِلَيْهَا رَابِعًا وَلَا يَمْلَأُ جَوْفَ ابْنِ
آدَمَ إِلَّا التُّرَابُ وَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ تَابَ!».

در حالی که می دانیم چنین آیه ای در قرآن یافت نمی شود و اصولاً با بلاغت قرآن نیز سازگار نمی باشد.

4 - جلال الدین سیوطی در تفسیر «در المنثور» از عمر بن خطاب روایت می کند که سوره احزاب به اندازه سوره بقره بوده و در آن نیز آیه «رجم» وجود داشته است. (در المنثور، ج 5، ص 180، در ابتدای تفسیر سوره احزاب).

بنابراین، اکثریت قریب به اتفاق علماء جهان اسلام، از همه مذاهب اسلامی به صیانت قرآن مجید اعتقاد دارند و تنها گروه اندکی از دو فرقه شیعه و سنی، روایات ضعیف و سست بنیانی را در مورد «وقوع دگرگونی در قرآن»، نقل کرده اند. این سخن سست و بی پایه اقلیت مذکور، از سوی عامه مسلمانان جهان اعم از اهل تشیع و تسنن پذیرفته نشده است، بلکه نص آیات قرآن و روایات صحیح ومتواتر اسلامی واجماع و اتفاق هزاران تن از اصحاب پیامبر و اتفاق مسلمانان جهان، بر آن است که هیچگونه تحریف، تغییر، فزونی و کاستی در قرآن مجید، راه نداشته و ندارد، و صیانت این کتاب مقدس

و آسمانی، از جانب خدای بزرگ، تضمین شده
است.
